

Exploration of the Implementation Challenges and Obstacles of the Educational Guidance Program

Neda Razavizadeh^{1*}, Somayeh Varshovi²

1. Assistant Professor, Sociology, ACECR Institute for Tourism Research, ACECR, Mashhad, Iran
2. Ph.D. in Economic Sociology, Researcher, Sociology, ACECR Institute for Tourism Research, ACECR, Mashhad, Iran

(Received: March 13, 2021; Accepted: August 23 2021)

Abstract

The aim of this research was exploring the implementation challenges of the educational guidance program (promulgation: 2017) in secondary schools in Khorasan Razavi Province. Adopting the qualitative approach, 52 key informants (including managers, staff, target group, and parents) were interviewed in order to explore stakeholders' lived experiences. Semi-structured in-depth interviews were transcribed, then a thematic analysis was conducted. Implementation challenges and obstacles of the educational guidance program were classified into 11 main categories including challenges of the nature and performing online tests, the inadequacies of the balanced development of disciplines, the unbalanced distribution of demand for enrolling in various disciplines, parents' attitudes and practical orientations, student's attitudes and practical orientations, the obstacles to counselors' effective function, school administrators function, teachers' weak cooperation, inconsistency implementation of the program in different schools, limitations and inefficiency of field visits, and informing deficiencies. It seems that the educational guidance program has deficiencies in practical aspects and hardware settings. Furthermore, its agents and target group have deficiencies and contradictions in terms of cognition, belief, motivation, and behavior. In order to reduce implementation challenges and obstacles, the following are suggested: Using workshop format for promoting the program, employing volunteers and social diffusion process, involving teachers, emphasizing the benefits and individual consequences of choices, matching up the content of messages with the students' socio-economic status, informing the target audience about technical problems and humbly recognizing related concerns, documenting experiences and receiving written feedback from stakeholders.

Keywords: Balanced development, Educational guidance, School counseling, University entrance exam.

* Corresponding Author, Email: Razavizade@acecr.ac.ir

واکاوی چالش‌ها و موانع فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه

ندا رضوی زاده^{۱*}، سمیه ورشوئی^۲

۱. استادیار، پژوهشکده گردشگری جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد، ایران

۲. دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، پژوهشگر پژوهشکده گردشگری جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱)

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌ها و موانع فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول در استان خراسان رضوی انجام شده است که با رجوع مستقیم به تجربه زیسته ذینفعان این طرح، درصدد واکاوی چالش‌های عملی اجرای شیوه‌نامه هدایت تحصیلی (ابلاغ‌شده ۱۳۹۵) بوده است. با اتخاذ رویکرد کیفی با ۵۲ مطلع کلیدی (مجربان و جمعیت هدف و والدین) مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شد. داده‌های کیفی طی دو مرحله انتزاع تحلیل مضمون شد، و در نهایت، چالش‌ها و موانع اجرای شیوه‌نامه ذیل ۱۱ مقوله طبقه‌بندی شد که عبارت بودند از چالش‌های ماهیت و چالش‌های عملیات اجرای آزمون‌های آنلاین، ناسازگاری توسعه متوازن رشته‌ای، توزیع نامتوازن تقاضا در رشته‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های عملی والدین، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های عملی دانش‌آموزان، موانع فعالیت مؤثر مشاوران، اثر مدیران مدارس، ضعف همکاری دبیران، اجرای ناهمسان شیوه‌نامه در مدارس مختلف، محدودیت‌ها و ناکارآمدی بازدهی‌های شغلی و نواقص اطلاع‌رسانی. به نظر می‌رسد فرایند هدایت تحصیلی هم‌کمبودهایی در عملیات اجرایی و شرایط سخت‌افزارانه دارد و هم کارگزاران و ذینفعان آن، کمبودها و تناقض‌هایی از لحاظ شناخت، باور، انگیزه و رفتار دارند. این موارد همسو با اهداف تصریح‌شده فرایند هدایت تحصیلی نیست. به منظور کاهش چالش‌ها و موانع اجرا، موارد زیر پیشنهاد می‌شود: فرم کارگاهی جلسات، اشاعه اجتماعی و استفاده از داوطلبان، درگیر کردن دبیران، تأکید بر منافع و پیامدهای فردی انتخاب‌ها، تناسب محتوای پیام‌ها با پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانش‌آموزان مدارس، پیش‌آگهی به مخاطب و پذیرش فروتنانه مشکلات فنی، مستندسازی تجارب و اخذ بازخورد مکتوب.

واژگان کلیدی: انتخاب رشته، توسعه متوازن، کنکور، مشاوره، هدایت تحصیلی.

مقدمه

انتخاب شغل و پیش از آن آماده‌شدن برای مشاغل از طریق آموزش‌های متناسب، از اساسی‌ترین نیازهای نوجوانان در هر جای جهان و از جمله ایران است. از آنجا که این دو فرایند، از یک سو هم ضامن تأمین معیشت آینده و هم زمینه خودشکوفایی افراد است، و از سوی دیگر، ضامن تأمین نیاز جامعه به تخصص‌ها و مهارت‌های مختلف به میزان متعادل است، اهمیت ویژه‌ای دارد. با این حال، آشفته‌گی‌های تجربه‌شده در دهه‌های گذشته در ایران که موجب توزیع نامتناسب داوطلبان در رشته‌ها و ناکامی در کنکور شده^۱ و^۲ یا به پرورش خیل عظیم دانش‌آموختگان دانشگاهی انجامیده که بعضاً فاقد علاقه و انگیزه تحصیلی بودند و بخش شایان توجهی از آن‌ها نیز پس از تحصیل قادر به اشتغال نبودند یا در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود جاگیر نشدند (رضوی‌زاده و فروغ‌زاده، ۱۳۹۷)، موجب شد تصمیم‌های سیاست‌گذارانه جدیدی در این زمینه اتخاذ شود.

در این راستا، میلتن و مک‌لین (۱۹۵۵) معتقدند راهنمایی شغلی و حرفه‌ای در دوره دبیرستان لازم و ضروری است (بهرامی گهرویی، ۱۳۹۴). راهنمایی شغلی به عنوان مجموعه‌ای از فرایندها، تکنیک‌ها یا خدمات متعدد طراحی شده است که برای کمک به فرد در درک و شناخت خود از دانش فرصت‌های کار، تحصیل و اوقات فراغت و توسعه مهارت‌های تصمیم‌گیری برای ایجاد و پیشرفت شغلی ایجاد شده است (متمری^۳، ۲۰۱۷، ص ۱۴). بیسوالو^۴ (۲۰۰۰) نیز راهنمایی و مشاوره شغلی را به عنوان فرایند کمک به فرد در انتخاب حرفه، آمادگی برای ورود به آن و پیشرفت در آن تعریف می‌کند. او معتقد است هر حرفه‌ای نیاز به تحصیلات و مدارک حرفه‌ای خاص دارد و در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای آینده و ایجاد شغل به دانش‌آموزان کمک می‌شود تا آن‌ها در ایجاد تصویری یکپارچه از خود و نقش‌شان در دنیای حرفه‌ای و مشاغل با سهولت بیشتری عمل کنند (نگنو و ماگات^۵، ۲۰۱۴، ص ۱۷۱). یونسکو (۲۰۰۲) نیز راهنمایی شغلی را کمکی در رسیدگی به

1. www.irna.ir/news/80708329/

2. www.irna.ir/news/81701146/

3. Mtemeri

4. Biswalo

5. Ng'eno & Magut

مشکلات مربوط به انتخاب شغل و زندگی به افراد یا گروه‌هایی از افراد عنوان کرده است که فرصت‌های کاملی را برای رشد شخصی و رضایت شغلی فراهم می‌کند. از این رو، مشاوره شغلی کسب علائق، اعتقادات، ارزش‌ها، عادات کاری و خصوصیات شخصی را تسهیل می‌کند و به هر یک از شرکت‌کنندگان امکان ایجاد زندگی رضایت‌بخش در تغییر مداوم محیط فرهنگی، اجتماعی و کاری را می‌دهد (نگنو و ماگات، ۲۰۱۴، ص ۱۷۲).

از این رو، راهنمایی شغلی در دبیرستان‌ها شامل کمک به دانش‌آموزان برای برنامه‌ریزی گام‌های بعدی در آموزش و کمک به دانش‌آموزان برای شناسایی ارزش‌های کاری خود است (اوسورو، آمانسون و بورگن، ۲۰۰۰، ص ۲۸۹). برخی زمینه‌های تأمین‌کننده نیازهای شغلی که در برنامه‌های راهنمایی و مشاوره در مدارس متوسطه بررسی می‌شوند، موجود است. این برنامه‌ها عبارت‌اند از آگاهی شغلی، اطلاعات شغلی ارائه‌شده، آزمون‌های شغلی، مهارت جست‌وجوی شغلی، پرورش استعدادها و توانایی‌ها، اخلاق کاری، باشگاه‌های شغلی، انتخاب رشته‌ها در مطابقت با شغل، موقعیت شغلی، بازدیدهای صنعتی، گفت‌وگوهای انگیزشی درباره مشاغل، مهارت‌های تصمیم‌گیری شغلی، مهارت‌های خوداشتغالی، و اطلاعات شغلی (نگنو و ماگات، ۲۰۱۴، ص ۱۷۲).

بر این اساس، از ابتدای شروع سال ۱۳۳۷ که مسأله راهنمایی تحصیلی به طور جدی در ایران مطرح شد تا سال ۱۳۷۱-۱۳۷۲ که آغاز اجرای نظام جدید آموزش متوسطه بود، فعالیت رسمی اولین گروه از مشاوران در دبیرستان‌های تحت پوشش نظام جدید شروع شد و وظایف راهنمایی تحصیلی و در کنار آن مشاوره به آنان محول شد. با وجود این، شواهد پژوهشی نیز بر استمرار مشکلات و ناکامی برنامه هدایت تحصیلی در نظام جدید آموزش متوسطه دلالت داشت (حسینی، ۱۳۸۱، علیدوست ابدی‌خواه، ۱۳۷۰، نویدی، ۱۳۹۷).

سایر تحقیقات نیز نشان می‌دهد در سیستم دبیرستان، مسأله هدرفت نیروی انسانی، شکست‌های آموزشی و انتخاب‌های هدایت نشده وجود دارند (رضایی، ۱۳۹۷).

داده‌های موجود حکایت از آن دارد که دانش‌آموزان بسیاری در کنکور سراسری با توزیعی

نامتوازن، داوطلب رشته‌های خاص (به‌خصوص در گروه علوم تجربی) می‌شوند و در رقابت سنگین در کنکور سراسری ناکام می‌مانند و با پیامدهای این ناکامی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. آمارها در سال‌های اخیر نشان می‌دهد سهم داوطلبان کنکور تجربی نسبت به رشته‌های دیگر به طور بسیار نامتوازنی بالاست. در سال ۱۳۹۸، سهم داوطلبان کنکور تجربی چهار برابر داوطلبان ریاضی و بیش از دوبرابر داوطلبان علوم انسانی بود^۱. در سال‌های ۱۳۹۷^۲، ۱۳۹۶^۳، ۱۳۹۵^۴، ۱۳۹۴^۵ و ۱۳۹۳^۶ نیز نسبت‌های کم‌وبیش مشابه و نامتوازنی برقرار بود. این داده‌ها نشان می‌دهد توزیع نامتوازنی در بین رشته‌های شاخه نظری وجود دارد. سایر داده‌ها نیز نشان می‌دهد جمعیت دانش‌آموزی در شاخه نظری متورم شده و به علل مختلف، شاخه‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای به قدر نیاز کشور مورد استقبال قرار نگرفته است.

با استناد به برخی تحقیقات (از جمله سلیمان‌نژاد، ۱۳۷۸ و شفق‌تیان، ۱۳۷۶)، می‌توان به این نکته اشاره کرد که از یک سو، به دلیل ناآگاهی دانش‌آموزان از مشخصات رشته‌های تحصیلی نظام جدید و تعیین‌کننده نبودن هدایت تحصیلی و مشاوره‌های تخصصی از سوی مدرسه مشکلاتی برای دانش‌آموزان در فرایند انتخاب رشته تحصیلی ایجاد می‌شود. به طوری که کرم‌دوست، زندوانیان و ابوالقاسمی (۱۳۸۵) صرفاً بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأکید می‌کنند و معتقدند این عامل به‌تنهایی قادر است درصد شایان توجهی از پیشرفت بعدی دانش‌آموزان دوره متوسطه را تبیین کند. در بررسی مشکلاتی که در فرایند هدایت تحصیلی و شغلی در مدارس تحقیق شده است، محققان (از جمله متمری، ۲۰۱۷؛ اویار و گونگورموس^۷، ۲۰۱۱؛ فالایه و ادامز^۸، ۲۰۰۸) به عوامل محیطی از جمله نوع مدرسه و موقعیت جغرافیایی مدارس اشاره داشته‌اند که بر انتخاب‌های شغلی

1. mehrnews.com/xNRMv
2. https://tn.ai/1760715
3. https://tn.ai/1457906
4. https://tn.ai/1115364
5. mehrnews.com/xsrgc
6. mehrnews.com/xqBmL
7. Uyar & Güngörmüş
8. Falaye & Adams

دانش‌آموزان دبیرستانی تأثیرگذار بوده است، اشاره می‌کنند. به گونه‌ای که در بین دانش‌آموزان دوره حسابداری مالی در ترکیه نوع مدرسه، معدل دروس مدرسه و نمره ریاضی، تأثیر شایان توجهی بر انتخاب رشته حسابداری داشته است (اویار و گونگورموس، ۲۰۱۱).

از دیگر عوامل آموزشی تحصیلی که بر انتخاب شغلی دانش‌آموزان تأثیر دارد، مشاوره و راهنمایی است که نتایج تحقیقات متعدد تأثیری متناقض برای این عامل در نظر گرفته‌اند. برخی تحقیقات به تأثیر معنادار (طالع زاری، ۱۳۹۵؛ نظری چروده، ۱۳۹۳؛ متمر، ۲۰۱۷؛ اوبینو، راث و ابنیو^۱، ۲۰۱۴؛ آمبوگو، آيرو و کپوسی^۲، ۲۰۱۷) این عامل و برخی نیز به عدم معنادار بودن میان انتخاب‌های شغلی و تحصیلی و مشاوره و راهنمایی اشاره کرده‌اند. اوبینو، راث و ابنیو (۲۰۱۴)، معتقدند مشاوره‌های شغلی تأثیر شایان توجهی در توسعه مشاغل مناسب در میان دانش‌آموزان داشته‌اند و مشاوران نقشی تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری‌های شغلی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی داشته‌اند. متمر (۲۰۱۷)، به راهنمایی‌های شغلی به خصوص روزهای شغلی در مدرسه (برگزاری برنامه‌ها و جشنواره‌های مرتبط با انتخاب شغل)، اشاره می‌کند که تأثیر مثبتی بر انتخاب شغل دانش‌آموزان دارد. از سوی دیگر، برخی محققان بیان می‌کنند مشاوره و راهنمایی بر رضایت و نیازهای شغلی دانش‌آموزان معنادار نیست (نگنو و ماگوت، ۲۰۱۴). محققان بیان کرده‌اند از بین کسانی که عمل به توصیه‌های مشاور می‌کنند و کسانی که عمل نمی‌کنند، از نظر پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد (نویدی، ۱۳۷۸) و همبستگی منفی و معناداری میان رضایت دانش‌آموزان و کیفیت خدمات مشاوره‌ای و نحوه انتخاب رشته وجود دارد (مرادی و اخوان تفتی، ۱۳۹۲).

لوگولو^۳ (۲۰۱۱) نیز بیان می‌کند اگرچه هدایت شغلی در دسترس دانش‌آموزان قرار داشته است، اما تأثیر حداقلی بر انتخاب‌های شغلی‌شان داشته است. به طوری که دانش‌آموزان اظهار داشته‌اند معلمان هیچ نظری درباره انتخاب‌های آن‌ها نداشته‌اند. وانجوهی^۴ (۲۰۱۱) نیز بیان می‌کند دانش‌آموزان در فرایند انتخاب‌های شغلی، والدین‌شان را به عنوان مشاوران برتر خود فرض می‌کنند

-
1. Obiunu & Ruth Ebonu
 2. Ambogo, Ayiro & Kipsoi
 3. Lugulu
 4. Wanjohi

(آمبوگو، آبرو و کیبوسی، ۲۰۱۷). متمرری (۲۰۱۷)، نشان می‌دهد تأثیر مادران و پدران نسبت به سایر اعضای خانواده در انتخاب شغلی دانش‌آموزان بسیار بالاتر بوده است و والدین بخش جدایی‌ناپذیری از انتخاب شغلی فرزندان‌شان هستند (متمرری، ۲۰۱۷). علاوه بر این، هایرستون (۲۰۰۰) نیز معتقد است معلمان و مشاوران نمی‌توانند جایگزین تأثیر والدین بر دانش‌آموزان باشند. ساخاروپولوس (۱۳۸۰) نیز نشان می‌دهد هر قدر میزان تحصیلات والدین بیشتر باشد، انتظارات از فرزند افزایش می‌یابد (طالع زاری، ۱۳۹۵). علاوه بر این، کیفیت تحصیلات پدر و شغل مادر تأثیر معناداری بر تصمیم‌گیری‌های شغلی دانش‌آموزان دارد (فالایه و آدامز، ۲۰۰۸). به طوری که در فرایند انتخاب رشته، نفوذ والدین اهمیتی تعیین‌کننده دارد (سلیمان‌نژاد، ۱۳۷۸). همچنین، والدینی که از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند، بهتر از والدین دیگر قادرند به فرزندان خود در انتخاب رشته و هدایت تحصیلی یاری رسانند (خادم مسجدی و نوروزی، ۱۳۹۵).

علاوه بر این، دانش‌آموزان طبقه کم‌درآمد اجتماعی در انتخاب رشته خود مصر هستند که به طرف رشته‌هایی گرایش پیدا کند که برای او تحرک اجتماعی ایجاد کند (بالی تیرکده، ۱۳۷۴؛ طالع زاری، ۱۳۹۵). اگرچه که برخی نیز تحقیقات نشان داده‌اند وضعیت اقتصادی خانواده در انتخاب رشته دانش‌آموزان تأثیر شایان توجهی نداشته است (سلیمان‌نژاد، ۱۳۷۸).

علی‌رغم آنچه بیان شد، محققان بیان می‌کنند وجود نهاد مشاوره و راهنمایی در مدارس الزامی است، به گونه‌ای که این حضور مرتبط با حل مسائل دانش‌آموزان و تقویت بهره‌وری دانش‌آموزان است (پریموز زلی^۱، ۲۰۱۵؛ ساباسینگه^۲، ۲۰۱۶)، اگرچه محققان (از جمله جوزف^۳، ۲۰۱۵؛ حسین و احمدفایسال^۴، ۲۰۱۳) بیان می‌کنند خدمات مشاوره‌ای در مدارس ناکافی است و در دسترس دانش‌آموزان دبیرستانی به طور صحیح قرار نمی‌گیرد.

با توجه به مشکلات موجود در برنامه هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان و کمک به انتخاب آگاهانه و توزیع متوازن دانش‌آموزان، از سال ۱۳۹۵-۹۶ با استقرار نظام ۳-۳-۶، اجرای برنامه جدید

-
1. Primrose & Zeleni
 2. Subasinghe
 3. Joseph
 4. Hossain & Ahmed Faisal

هدایت تحصیلی آغاز شد که در تیرماه ۱۳۹۵ «شیوه‌نامه اجرایی هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه» از سوی کمیته تخصصی هدایت تحصیلی ابلاغ شد. این آیین‌نامه و شیوه‌نامه مخصوص نظام جدید آموزشی ۶-۳-۳ تدوین شد. طبق این اسناد، اهداف هدایت تحصیلی شامل ۱. شناسایی و شناساندن استعداد، توانایی، علاقه و ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان، ۲. کمک به انتخاب آگاهانه رشته تحصیلی و مسیر آینده شغلی و حرفه‌ای دانش‌آموزان و ۳. کمک به هدایت متوازن دانش‌آموزان به شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی بر اساس سیاست‌های توسعه‌ای کشور است. در حالی که از زمان اجرای طرح در مدارس، گزارش‌های رسانه‌ای (برای مثال ایسنا، ۱۳۹۵، مشرق نیوز، ۱۳۹۷، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۸)، و تجارب فعالان آموزش و پرورش نشان از اجرای این برنامه با ابهامات، مناقشات و مشکلاتی بوده است که دانش‌آموزان، والدین، مشاوران، مدیران مدارس و مدیران ستادی ادارات آموزش و پرورش را درگیر کرده است. دانش‌آموزان و والدین بعضاً از این که دانش‌آموزان آزادی عمل خود را در انتخاب رشته از دست داده‌اند، شاکی هستند، مشاوران از گرانباری نقش خود، نامناسب بودن بخش‌هایی از فرایند هدایت تحصیلی جدید از جمله آزمون‌ها و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رضایت ندارند، مدیران مدارس و مدیران ستادی نیز با موج نارضایتی‌های بعضی والدین و دانش‌آموزان از نتیجه فرایند هدایت تحصیلی و دشواری‌های اجرای فرایند و کمبود امکانات، و نیز بعضی ناهمسازی‌های سیاست توسعه متوازن از جمله کمبود هنرستان و شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش، به خصوص در مناطق محروم مواجهند.

با توجه به اینکه اجرای هر برنامه و شیوه‌نامه نیازمند ارزیابی و پایش است تا میزان تحقق اهداف آن بررسی شود و بازخورد لازم برای بهینه‌سازی و اصلاح احتمالی رویه‌های عملیاتی ارائه شود، در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بررسی چالش‌ها و موانع فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه در استان خراسان رضوی در دستور کار قرار گرفت. اگرچه سازوکارهایی در این شیوه‌نامه ابلاغی تیر ۱۳۹۵ برای ارزیابی و گزارش‌گیری از نحوه اجرای برنامه وجود دارد، اما رجوع به تجربه

1. <https://www.isna.ir/news/95062918029/>

2. <https://mshrgh.ir/604616>

3. <http://fna.ir/dbbo61>

زیسته‌دینفعان و روایت آن‌ها با رویکرد ژرفانگر تاکنون مد نظر قرار نگرفته است. از این رو، مسأله پژوهش حاضر این است که بنا به تجربه زیسته دانش‌آموزان، مشاوران، مدیران مدارس، مدیران و کارکنان ستادی یعنی دینفعان طرح جدید هدایت تحصیلی (شیوه‌نامه ابلاغی تیر ۱۳۹۵)، اجرای شیوه‌نامه هدایت تحصیلی در عمل با چه چالش‌ها و موانعی مواجه است؟

روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که فرایند هدایت تحصیلی طبق شیوه‌نامه، اجزای مختلفی دارد و افراد مختلفی درگیر آن هستند، بررسی تجربه افراد دخیل در این فرایند و وضعیت تحقق «عملی» شیوه‌نامه رکن مهمی در شناخت چالش‌ها و موانع این برنامه است. بدین منظور، با توجه به اینکه پژوهش‌های پیشین کمتر به کشف تفسیرها، معانی، دریافت‌ها و استراتژی‌های عملی دینفعان این طرح پرداخته بودند، این پژوهش از لحاظ روش‌شناختی رویکرد کیفی و تفسیری را اتخاذ کرده است که با استفاده از روش تحلیل مضمون در پی پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق است.

تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش داده‌های کیفی پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶).

مصاحبه‌های کیفی برای پنج جمعیت طراحی شد تا تنوع تجارب در روند اجرای شیوه‌نامه از زوایای دید مختلف بررسی شود. این چهار جمعیت عبارت بودند از: ۱. مدیران اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی، ۲. مشاوران مدارس و مراکز مشاوره، ۳. مدیران مدارس، ۴. دانش‌آموزان هدف برنامه، ۵. والدین.

با توجه به محدودیت‌های فراوان برای دسترسی به نمونه‌ها، از دو روش برای نمونه‌گیری استفاده شد. از نمونه‌گیری در دسترس و گلوله‌برفی برای دسترسی به دانش‌آموزان و والدین و مدیران مدارس استفاده شد. مدیران ستادی و مشاوران از طریق نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند و افرادی که حاوی بیشترین اطلاعات مرتبط با موضوع بودند در نمونه قرار گرفتند. مدیران ستادی، مشاوران

و مدیران مدارس به این دلیل انتخاب شدند که برای هر یک از آن‌ها در شیوه‌نامه اجرایی برنامه هدایت تحصیلی نقش مشخصی در نظر گرفته شده و به همین جهت مطلعان و نیز ذینفعان کلیدی این پژوهش محسوب می‌شوند. چون از نزدیک درگیر فرایند بوده‌اند. دانش‌آموزان نیز به دلیل این که جمعیت هدف برنامه هستند، ذینفع کلیدی برنامه هدایت تحصیلی هستند. همچنین، از آنجا که والدین دانش‌آموزان با واسطه بر تصمیم‌های دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند و در هدایت تحصیلی غیر مستقیم دانش‌آموزان نقش دارند، مطلع کلیدی به حساب می‌آیند. کوشش شد تنوعی از تجارب در مدارس نواحی مختلف آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گیرد. در مجموع، در مقطع زمانی بهار و تابستان ۱۳۹۸ با ۵۲ نفر مصاحبه انجام شد که مشتمل بر ۷ کارشناس مسئول اداره کل آموزش و پرورش (مدیران ستادی)، ۵ مشاور، ۴ مدیر مدرسه، ۱۸ دانش‌آموز دختر و پسر هدف برنامه و ۱۸ نفر از والدین دانش‌آموزان هدف برنامه.

ابزار سنجش کیفی، راهنمای مصاحبه (مصاحبه‌نامه) نیمه‌ساختاریافته بود که در سه نسخه انعطاف‌پذیر برای سه‌گونه مطلع کلیدی تدارک دیده شده بود. در خلال مصاحبه به مصاحبه‌شوندگان فرصت داده می‌شد که جوانب مختلف موضوع را از دید خود و بنا به تجربه زیسته خود واکاوی کنند. مصاحبه‌نامه بر مبنای اهداف آیین‌نامه و اجزای شیوه‌نامه طراحی شد، و به مرور نیز طی اجرای مصاحبه‌ها حک و اصلاح می‌شد تا مجموعه تجارب مشارکت‌کنندگان را پوشش دهد.

در توصیف و تحلیل یافته‌های تحقیق، داده‌هایی که از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان به دست آمد مطابق با مراحل که آترید استرلینگ^۱ (۲۰۰۱) بیان می‌کند (شامل تجزیه و توصیف متن؛ تشریح و تفسیر متن و ادغام و یکپارچه‌کردن مجدد متن) تحلیل شدند.

در توصیف و تحلیل یافته‌های تحقیق، داده‌های کیفی باید تغییر شکل، کاهش یا تجمیع یابند تا قابل فهم شوند. محققان متن مصاحبه‌ها را بر حسب واحدهای معنایی طی چندین مرحله کدگذاری و انتزاع نمودند تا مضامین نهایی استخراج شد. به این ترتیب، در ابتدا محققان متن مصاحبه‌ها را مطالعه و با آن‌ها آشنا شدند و فهرستی اولیه از ایده‌های موجود در داده‌ها و نکات جالب توجه را تهیه و کدهای اولیه را استخراج کردند. در این مرحله، کدها به گونه‌ای استخراج شد که حد و مرز

مشخص و تعریف شده‌ای داشتند و محدود به قلمروی تحقیق و بر سؤالات پژوهش تمرکز داشتند. پس از کدگذاری اولیه، فهرستی طولانی از کدهای مختلف در مجموعه داده‌ها مشخص شد و برای ورود به سطحی انتزاعی‌تر و مشخص شدن قالب مضامین آماده شدند. در این مرحله، کدهای اولیه تجزیه و تحلیل شدند و ترکیب و تلفیق کدهای مختلف برای تشکیل مضامین صورت گرفت. در گام بعدی، برخی مضامین با یکدیگر تلفیق و یا به مضامین دیگری تفکیک شدند. سپس، مضامین به دست‌آمده نهایی در گروه‌های مشابه و منسجمی دسته‌بندی شدند که تصمیم‌گیری درباره نحوه گروه‌بندی مضامین، بر اساس محتوا و مبانی نظری و سؤالات تحقیق صورت گرفت. در مرحله نهایی، محققان مضامین شناخته‌شده را با عناوین مشخصی نامگذاری کردند و شبکه مضامین استخراج شد.

برای اعتباریابی پژوهش‌های کیفی معیارهای متفاوتی مطرح شده است. محققان این پژوهش، برای تضمین اعتبار فرایند تحقیق مطابق با فلیک (۱۳۸۸)، این اقدامات را انجام دادند: ۱. تا سرحد امکان از صحبت کردن به عنوان متکلم وحده در جریان مصاحبه‌ها خودداری کردند و اجازه دادند مشارکت‌کنندگان، نظرات خود را بدون هیچ کم و کاستی بازگو کنند. ۲. محققان سعی کردند بازخورد یافته‌ها و نوشته‌ها در میدان تحقیق را با سایر همکاران در میان بگذارند تا میان جنبه‌های مختلف تحقیق و نگارش نهایی تعادل برقرار نمایند.

مطابق با معیارهای فلیک (۱۳۸۸)، محققان برای اینکه باورپذیری نتایج این تحقیق را افزایش دهند، سعی کردند حضور طولانی مدتی در میدان تحقیق داشته باشند و از منابع اطلاعاتی متعدد از جمله مصاحبه، بررسی اسناد و مدارک و داده‌های موجود مرتبط با عنوان تحقیق، استفاده کنند. علاوه بر این، سعی کردند تنوع و تکرار در انتخاب مشارکت‌کنندگان داشته باشند تا اطلاعاتی که از مصاحبه‌ها به دست می‌آید باورپذیر و قابل اعتماد باشد.

در این تحقیق، از زاویه‌بندی باسکارادا^۱ (۲۰۱۴)، در تمام مراحل تحقیق نیز استفاده شد. به این معنا که محققان درگیری طولانی مدتی با داده‌های به دست‌آمده از مصاحبه‌ها داشتند، به طوری که انجام مصاحبه‌ها، پیاده‌سازی و کدگذاری توسط تیم متخصصان این تحقیق صورت گرفت. درگیری

مستمر ذهنی محققان با داده‌ها این امکان را فراهم کرد تا اطلاعات وسعت یابد و عمق اطلاعات نیز افزایش یابد. علاوه بر آن، کدگذاری مصاحبه‌های پیاده شده، توسط اساتید بازنگاری، و اصلاح شد و این جریان داوری و کدگذاری اطلاعات، در اختیار محققان دیگری نیز قرار گرفت تا صحت اطلاعات اثبات شود.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۱۶ نفر مطلعان کلیدی که کارگزاران برنامه هدایت تحصیلی و شغلی بودند، ۱۳ نفر مرد (۸۱ درصد) و ۳ نفر زن (۱۹ درصد) بودند. جدول ۱ مشخصات ایشان را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مشخصات مطلعان کلیدی (کارگزاران برنامه هدایت تحصیلی و شغلی)

ردیف	جنسیت	پست سازمانی	ردیف	جنسیت	پست سازمانی
۱	مرد	رئیس اداره مشاوره تربیتی و تحصیلی آموزش و پرورش خراسان رضوی	۹	مرد	مشاور
۲	مرد	رئیس اداره آموزش متوسطه اول آموزش و پرورش خراسان رضوی	۱۰	مرد	مشاور مرکز مشاوره
۳	مرد	رئیس اداره فنی و حرفه‌ای و کار دانش آموزش و پرورش خراسان رضوی	۱۱	مرد	مشاور
۴	مرد	رئیس اداره متوسطه نظری دوم آموزش و پرورش خراسان رضوی	۱۲	مرد	مشاور
۵	زن	مشاور گروه مشاوره استان	۱۳	مرد	مدیر دبیرستان
۶	مرد	مشاور مسئول مرکز مشاوره آموزش و پرورش خراسان رضوی	۱۴	زن	مدیر دبیرستان
۷	مرد	کارشناس مسئول مشاوره اداره کل	۱۵	مرد	مدیر دبیرستان
۸	زن	مشاور	۱۶	مرد	مدیر دبیرستان

همچنین، مصاحبه با ۱۸ دانش‌آموز دختر و پسر و ۱۸ نفر از والدین ایشان انجام شد. این دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ یا سال تحصیلی قبل (۹۶-۹۷) فرایند هدایت تحصیلی را تجربه کرده بودند.

داده‌های حاصل از ۵۲ مصاحبه با مدیران ستادی، مشاوران، مدیران مدرسه، دانش‌آموزان و والدین؛ پس از جمع‌آوری و ثبت به وسیله نرم‌افزار Maxqda، به تفکیک کدگذاری شد. تحلیل مضمون به روش قالب مضامین انجام شد (کمالی، ۱۳۹۷). در این روش مضامین استخراج شده به صورت سلسله‌مراتبی تنظیم می‌شود. یعنی مضامین سطوح پایین‌تر در قالب خوشه‌ها گروه‌بندی می‌شود و مضامین سطح بالاتر ایجاد می‌شود (کمالی، ۱۳۹۷). در این پژوهش، داده‌ها طی دو مرحله کدگذاری (انتزاع) شد. ابتدا کدهای اولیه به واحدهای معنایی تخصیص یافت، و پس از چندین بار بازبینی و پالایش، به صورت «مقوله فرعی» درآمد. مقولات فرعی مجدداً با یک مرحله انتزاع دیگر، در قالب «مقوله اصلی» خوشه‌بندی شد. برای مثال، در جدول ۲ یک نمونه نحوه کدگذاری آمده است:

جدول ۲. نمونه کدگذاری

مقوله اصلی	مقوله فرعی	واحدهای معنایی
ناسازه‌های توسعه متوازن رشته‌ای	در نظر گرفتن آینده شغلی دانش‌آموزان در توسعه متوازن	<p>- نمونه نقل قول از والدین: این همه مدت درس خوانده ریاضیش آنقدر خوبه، خوبه، خوبه حیفه</p> <p>- نمونه نقل قول از والدین: من اگر اجازه می‌دم هنر می‌رفت دو سال دیگر می‌گفت چه اشتباهی کردم.</p> <p>- نمونه نقل قول از والدین: رشته‌های هنر آینده شغلی ندارد و برای سرگرمی خوب است، نه شغل و درآمد.</p>
	بی‌اعتمادی به فرایند هدایت تحصیلی	<p>- نمونه نقل قول از مشاور: والدین اعتراض می‌کنند که بچه من که نمراتش خوب بوده چرا رشته تجربی را نیاورده و جریان متوازن سازی را قبول ندارند.</p> <p>- نمونه نقل قول از والدین: من خودم رفتم اداره ناحیه و با مدیر کل صحبت کردم که برای من توضیح بده رابطه بین این درصدها و الویت‌ها چیه باور کنید که نتونست و بعد از کلی جر و بحث قانع شد که این فرایند منطقی ندارد.</p> <p>- نمونه نقل قول از والدین: دختر من نمراتش از دوستش بهتر بوده، اون رشته تجربی رو آورده ولی دختر من نیاورده این چه توجیهی داره؟</p>

مقوله اصلی	مقوله فرعی	واحدهای معنایی
	ثبت نام دانش‌آموزان بدون توجه به ظرفیت‌ها و اولویت‌ها	- نمونه نقل قول از مشاور: چون مدیران مقطع دوم در مورد اهداف آیین‌نامه توجیه نیستند و مدیران متوسطه دوم از فرایند هدایت تحصیلی مطلع نیستند، گاهی بدون توجه به ظرفیت‌ها و اولویت‌ها دانش‌آموز رو ثبت نام می‌کنند.
	عدم تناسب ظرفیت مدارس	- نمونه نقل قول از مشاور: در خیلی از موارد خروجی فرایند دانش‌آموز با ظرفیت پذیرش مدارس همخوانی ندارد، مخصوصاً در رشته‌های فنی که در بعضی مناطق وجود دارد و باید صرف نظر کنند.

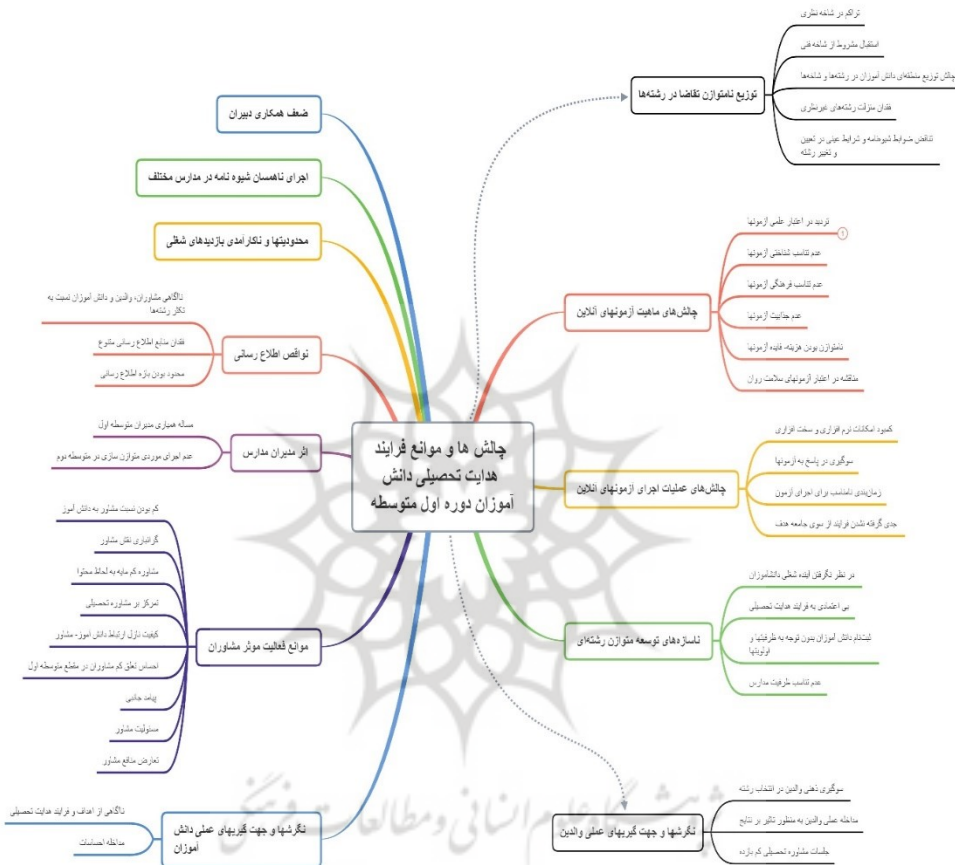
در نهایت، ۱۱ مقوله اصلی استخراج شد که در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. چالش‌ها و موانع فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه (مقولات اصلی و فرعی مستخرج از مصاحبه‌ها)

مقوله اصلی	مقوله فرعی
چالش‌های ماهیت آزمون‌های آنلاین	<ul style="list-style-type: none"> • تردید در اعتبار علمی آزمون‌ها • عدم تناسب شناختی آزمون‌ها • عدم تناسب فرهنگی آزمون‌ها • عدم جذابیت آزمون‌ها • نامتوازن بودن هزینه- فایده آزمون‌ها • مناقشه در اعتبار آزمون‌های سلامت روان
چالش‌های عملیات اجرای آزمون‌های آنلاین	<ul style="list-style-type: none"> • کمبود امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری • سوگیری در پاسخ به آزمون‌ها • زمان‌بندی نامناسب برای اجرای آزمون • جدی گرفته نشدن فرایند از سوی جامعه هدف (به ویژه دبیران و دانش‌آموزان)
ناسازه‌های توسعه متوازن رشته‌ای	<ul style="list-style-type: none"> • در نظر نگرفتن آینده شغلی دانش‌آموزان در توسعه متوازن • بی‌اعتمادی به فرایند هدایت تحصیلی • ثبت نام دانش‌آموزان بدون توجه به ظرفیت‌ها و اولویت‌ها • عدم تناسب ظرفیت مدارس

مقوله اصلی	مقوله فرعی
توزیع نامتوازن تقاضا در رشته‌ها	<ul style="list-style-type: none"> تراکم در شاخه نظری استقبال مشروط از شاخه فنی چالش توزیع منطقه‌ای دانش‌آموزان در رشته‌ها و شاخه‌ها فقدان منزلت رشته‌های غیر نظری تناقض ضوابط شیوه‌نامه و شرایط عینی در تعیین و تغییر رشته
نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های عملی والدین	<ul style="list-style-type: none"> سوگیری ذهنی والدین در انتخاب رشته مداخله عملی والدین به منظور تأثیر بر نتایج جلسات مشاوره تحصیلی کم‌بازده
نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های عملی دانش‌آموزان	<ul style="list-style-type: none"> ناآگاهی از اهداف و فرایند هدایت تحصیلی مداخله احساسات
موانع فعالیت مؤثر مشاوران	<ul style="list-style-type: none"> کم‌بودن نسبت مشاور به دانش‌آموز گرانباری نقش مشاور مشاوره کم‌مایه به لحاظ محتوا تمرکز بر مشاوره تحصیلی کیفیت نازل ارتباط دانش‌آموز-مشاور احساس تعلق کم مشاوران در مقطع متوسطه اول پیامد جانی مسئولیت مشاور تعارض منافع مشاور
اثر مدیران مدارس	<ul style="list-style-type: none"> مسأله همبازی مدیران متوسطه اول عدم اجرای موردی متوازن‌سازی در متوسطه دوم
ضعف همکاری دبیران	<ul style="list-style-type: none"> ناآشنایی با فرایند هدایت تحصیلی کم‌اهمیت دانستن فرایند هدایت تحصیلی
اجرای ناهمسان شیوه‌نامه در مدارس مختلف	<ul style="list-style-type: none"> اجرای ناهمسان شیوه‌نامه در مدارس برخوردار و نبرخوردار فعالیت‌های متفاوت مدارس ذیل شیوه‌نامه
محدودیت‌ها و ناکارآمدی بازدهی‌های شغلی	<ul style="list-style-type: none"> زمان‌بر و هزینه‌بر بودن کم‌اثری بازدهی‌ها
نواقص اطلاع‌رسانی	<ul style="list-style-type: none"> ناآگاهی مشاوران، والدین و دانش‌آموزان نسبت به تکرر رشته‌ها فقدان منابع اطلاع‌رسانی متنوع محدودبودن بازه اطلاع‌رسانی

شکل ۱ شبکه مضامین حاصل از تحلیل مضمون مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۱. شبکه مضامین چالش‌ها و موانع فرایند هدایت تحصیلی دانش آموزان دوره اول متوسطه

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور بررسی چالش‌ها و موانع فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان خراسان رضوی انجام شد. به این منظور با ۵۲ نفر از مدیران اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی، مشاوران مدارس و مراکز مشاوره، مدیران مدارس، والدین و دانش‌آموزان هدف

برنامه، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد تا چالش‌ها و موانع برنامه هدایت تحصیلی و شغلی احصا شود. تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه منجر به شناسایی ۱۱ مقوله اصلی شد که عبارت بودند از ماهیت و عملیات اجرای آزمون‌های آنلاین، ناسازگاری توسعه متوازن رشته‌ای، توزیع نامتوازن تقاضا در رشته‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های عملی والدین، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های عملی دانش‌آموزان، موانع فعالیت مؤثر مشاوران، اثر مدیران مدارس، ضعف همکاری دبیران، اجرای ناهمسان شیوه‌نامه در مدارس مختلف، محدودیت‌ها و ناکارآمدی بازدهی‌های شغلی و نواقص اطلاع‌رسانی.

همچنین تحلیل‌ها نشان داد مقولات اصلی دارای مقولات فرعی هم هستند. همان‌طور که یافته‌های «مقوله ماهیت و عملیات اجرای آزمون‌های آنلاین» نشان می‌دهد بخش شایان توجهی از چالش‌ها و موانع هدایت تحصیلی به ماهیت و عملیات اجرایی آزمون‌های آنلاین مرتبط است. مناقشات و موانع این آزمون در روایت کارگزاران و جامعه هدف فرایند هدایت تحصیلی گویای این است که نیاز به امکانات سخت افزاری و نرم افزاری در این فرایند احساس می‌شود. در حالی که دانش‌آموزان ساکن در مناطق حاشیه شهر و مناطق روستایی دسترسی به این امکانات ندارد، یا این دسترسی مستلزم برنامه‌ریزی مفصل و جابه‌جایی دانش‌آموز است. همچنین، دانش‌آموزانی که دسترسی به اتصال اینترنت از منزل ندارند، متحمل هزینه خدمات کافی نت می‌شوند که در پرداخت آن نیز دچار مشکل هستند. در برخی مواقع نیز با اختلال یا کاهش پهنای باند سامانه همگام، هزینه‌های جانبی، خدمات پشتیبانی و .. مواجه هستند که سبب می‌شود اجرای آزمون‌ها با اختلال یا تأخیر مواجه شود.

در حالی که نگرانی دانش‌آموزان از نتیجه فرایند هدایت تحصیلی باعث می‌شود عمداً تمایل به تحریف فعالانه نتیجه آزمون داشته باشند، به طوری که دانش‌آموزان و والدین انجام آزمون‌های آنلاین را با سوگیری و هدف مشخص برای رشته خاص انجام می‌دهند، که خود «عدم اصالت نتایج» آزمون‌ها را به دنبال دارد.

علاوه بر این، بعضی کارگزاران درباره مناسبیت و اعتبار علمی آزمون‌های آنلاین مورد استفاده در فرایند هدایت تحصیلی تردید داشتند و از دید بعضی کارگزاران، سطح سؤالات آزمون‌ها با

قابلیت‌های شناختی و سطح درک دانش‌آموزان پایه نهم تناسب ندارد، و به این سبب پاسخ دانش‌آموزان به سؤالات اعتبار کافی در سنجش متغیرهای مورد نظر ندارد. علاوه بر این، کارگزاران اذعان داشتند این آزمون‌ها بومی‌سازی نشده و متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و بومی دانش‌آموزان نیست. همچنین، سؤالات آزمون بیش از حد تحمل و حوصله دانش‌آموزان است که می‌تواند به اشکال مختلف موجب تولید پاسخ‌های بی‌اعتبار و ایجاد خطای سیستماتیک در پاسخ‌ها شود. این یافته‌ها همسو با پژوهش رپتو و همکاران (۲۰۰۳) است که معتقدند در فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان، آگاهی از تفاوت‌های فردی به منظور شناخت تفاوت‌های فرهنگی الزامی است (بهرامی گهرویی، ۱۳۹۴). همچنین، هیرن و موس (۱۹۷۰) نیز معتقدند انتخاب رشته تحصیلی زمانی به واقعیت و صحت نزدیک‌تر است که مطابق با میزان توانمندی، استعداد، مهارت، لیاقت، هوش، شایستگی و استحقاق افراد باشد (کوشکی، مهربانی‌زاده هنرمند و شکرکن، ۱۳۸۰).

برخی کارگزاران نیز معتقدند دیرنگام اجرایشدن آزمون‌های آنلاین از سویی سبب کاهش شور و اشتیاق دانش‌آموزان و از سوی دیگر، عدم نظارت و ارزیابی درست مسئولان برای ادامه مراحل برنامه می‌شود. قاضی (۱۳۷۸) نیز در تحقیقش به محدودنشدن آموزش‌ها به سال‌های معینی در تحصیل اشاره می‌کند (رضایی، ۱۳۹۷). به علاوه، در برخی موارد، فرایند هدایت تحصیلی از سوی جامعه هدف به قدر کافی جدی گرفته نمی‌شود که تحت چنین شرایطی تولید خروجی باکیفیت از فرایند آزمون‌های آنلاین دشوار است. تحلیل یافته‌ها نشان داد صرف هزینه‌های هنگفت مادی و معنوی برای آزمون‌های آنلاین توجیه اقتصادی ندارد و به نظر می‌رسد مهمترین فایده این آزمون‌ها، فرایند اجرایی با جزئیات بسیار و تولید سندی است که به صورت رایانه‌ای از کادر مدرسه به دانش‌آموز و والدین می‌رسد و هجوم به رشته‌های خاص صورت می‌گیرد. علاوه بر این، نظر جمعی کارگزاران نشان می‌دهد به علت عدم تناسب فرهنگی آزمون‌های سلامت با سطح فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان، آزمون‌های سلامت روان به لحاظ علمی معتبرند، اما بومی نیستند و نتایج دقیق و قابل اعتمادی به دست نمی‌دهند.

به باور غالب کارشناسان و مدیران هدف نهایی هدایت تحصیلی، «متوازن‌سازی» رشته‌ای و

ایجاد تعادل بین رشته‌ای و میان‌رشته‌ای در دوره تحصیلی دوره دوم متوسطه و سوق‌دادن دانش‌آموزان به سمت رشته‌های غیر نظری است. در حالی که دومین مقوله احصاشده از تحلیل یافته‌ها گویای «ناسازه‌های توسعه متوازن رشته‌ای» بوده است. تحلیل یافته‌های مصاحبه نشان داد بعضی کارگزاران و اغلب جامعه هدف معتقد بودند توسعه متوازن رشته‌ای بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های لازم انجام می‌گیرد که نتیجه آن مورد اقبال قرار گرفتن رشته تجربی در بین دانش‌آموزان است. علاوه بر این، به علت آگاهی کم از هدف و عملیات موازن‌سازی، والدین و دانش‌آموزان به فرایند هدایت تحصیلی بی‌اعتماد هستند. این یافته همسو با نتایج تحقیقات شفقتیان (۱۳۷۶)، سلیمان‌نژاد (۱۳۷۹)، کوثری (۱۳۹۵) و رضایی (۱۳۹۷) است. به طوری که شفقتیان (۱۳۷۶) بیان می‌کند طرح هدایت تحصیلی به دلیل تازگی آن [در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶] به خوبی نتوانسته برای دانش‌آموزان و اولیا آن‌ها کامل جا بیفتد. سلیمان‌نژاد (۱۳۷۹) نیز نشان داد ملاک‌های هدایت تحصیلی در انتخاب رشته آنها موثر نبوده است. کوثری (۱۳۹۵) نیز نشان می‌دهد دیدگاه دانش‌آموزان نسبت به ملاک‌ها و فرایند انتخاب رشته ضعیف و پایین‌تر از حد متوسط است، که نشان‌دهنده منفی بودن دیدگاه دانش‌آموزان نسبت به ملاک‌ها و فرایند انتخاب رشته است. همچنین، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد شناخت دانش‌آموزان به انتخاب رشته در سطح مطلوبی قرار ندارد و شناخت اکثر آن‌ها به هدایت تحصیلی منفی ارزشیابی شده است.

از سوی دیگر، کارگزاران کلیدی هم معتقدند مدیران مقطع دوم متوسطه گاهی بدون توجه به ظرفیت‌ها و اولویت‌ها ثبت نام دانش‌آموزان را انجام می‌دهند. مشاوران نیز در این زمینه اذعان داشته‌اند ظرفیت پذیرش مدارس مقطع دوم متوسطه با خروجی فرایند مخصوصاً در مدارس فنی و حرفه‌ای تطابق ندارد که این امر در مناطق کم‌برخوردار به خصوص روستاهای کم جمعیت مشهود است که نتیجه‌ای جز ترک تحصیل یا تحصیل در رشته‌های در دسترس ندارد.

سومین مقوله مستخرج از یافته‌ها نشان می‌دهد «توزیع نامتوازن تقاضا در رشته‌ها» مشهود است. به طوری که کارگزاران اذعان داشتند تراکم در شاخه نظری به دلایلی نظیر کمبود زمینه شغلی در رشته‌های ریاضی و انسانی، وجود زمینه‌های شغلی فراوان و پردرآمد در رشته‌های وابسته به تجربی، عدم آگاهی خانواده‌ها و دانش‌آموزان از رشته‌ها و مشاغل، و همچنین، تفکر غالب افکار عمومی

درباره منزلت اجتماعی و درآمد رشته‌های پزشکی موجب تقاضای روزافزون در رشته تجربی مخصوصاً در مناطق برخوردار است. این بخش از یافته‌ها نیز همسو با مطالعات بیکس^۱ و همکاران (۲۰۱۸)؛ مالگوی، هاو و بورنابی^۲ (۲۰۰۵)، بالی تیرکده (۱۳۷۴)، معماری (۱۳۸۵)، و سلیمان‌نژاد (۱۳۷۸)، دارد که برای انتخاب شغلی دانش‌آموزان، منزلت اجتماعی آینده یک رشته تحصیلی، منافع شغلی و پتانسیل بالای درآمدی از اهمیت خاصی برخوردار است. تحقیق تطبیقی بیکس و همکاران (۲۰۱۸)، که در بین دانش‌آموزان لیتوانی و انگلیس انجام داده‌اند نشان می‌دهد منافع شغلی و توسعه توانایی‌های شغلی دانش‌آموزان بر انتخاب شغلی‌شان تأثیرگذار است. مالگوی، هاو و بورنابی (۲۰۰۵)، بیان می‌کنند انگیزه مالی صرفاً تنها عامل مؤثر بر انتخاب شغل نیست، بلکه عواملی همچون فرصت‌های پیشرفت شغلی، اعتبار، وضعیت اجتماعی و امنیت شغلی در انتخاب رشته تأثیرگذار هستند. بالی تیرکده (۱۳۷۴) نیز به این نتیجه می‌رسد که وضعیت اجتماعی اقتصادی دانش‌آموزان نه تنها عاملی بالقوه در تعیین سطح آرزو برای ادامه تحصیلات است، بلکه عامل مهمی در جهت‌گیری حرفه‌ای آنان قلمداد می‌شود. معماری (۱۳۸۵) نیز همسو با سایر محققان بیان می‌کند منزلت اجتماعی آینده یک رشته تحصیلی در فرایند انتخاب رشته دارای اهمیت بسزایی است. سلیمان‌نژاد (۱۳۷۸) نیز معتقد است انتخاب رشته دانش‌آموزان به ارزش اجتماعی رشته تحصیلی بستگی دارد.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد مشکلاتی از قبیل کمبود امکانات و تجهیزات در رشته‌های کار و دانش و فنی حرفه‌ای، نگرش منفی افکار عمومی نسبت به مدارس و رشته‌های غیر نظری، نگاه غالب منفی مشاوران و مسئولان آموزشی و خانواده‌ها، و ابهام در آینده شغلی رشته‌های غیر نظری باعث شده است گرایش به سمت این رشته‌ها در میان خانواده‌ها و دانش‌آموزان کم باشد. اگرچه از دیدگاه دانش‌آموزان، بازدید از هنرستان‌های باکیفیت، تأثیر بسزایی در گرایش به سمت رشته‌های غیر نظری داشته است؛ اما این استقبال بیشتر در مناطق حاشیه‌نشین و روستایی بوده است. علاوه بر این، آخرین انتخاب دانش‌آموزان از روی اجبار بر اساس اولویت‌های تعیین‌شده در فرایند هدایت تحصیلی مدارس فنی و حرفه‌ای است که این امر موجب جذب دانش‌آموزان با عملکرد

1. Bikse

2. Malgwi, Howe & Burnaby

تحصیلی ضعیف‌تر به این مدارس بوده است که خود دلیلی بر مقاومت جامعه هدف بر انتخاب این رشته‌ها می‌شود. علاوه بر این به بیان کارگزاران امکان تغییر رشته صرفاً به رشته ریاضی ممکن است و تغییر رشته از تجربی به سایر رشته‌ها اغلب به دلیل ضعف تحصیلی است. این یافته‌ها نیز همسو با مطالعات سالاری (۱۳۸۴)، معماری (۱۳۸۵) و خدابخش (۱۳۹۷) است که تأکید بر عدم آگاهی دانش‌آموزان و نفوذ خانواده در انتخاب و عدم انتخاب رشته فنی و حرفه‌ای دارند.

تحلیل نتایج نشان می‌دهد «ذهنیت‌ها و نگرش‌های والدین» و جهت‌گیری‌های عملی و مداخلات والدین تأثیر به‌سزایی در شکل‌دهی به گرایش‌ها و رفتار دانش‌آموزان نسبت به فرایند هدایت تحصیلی و انتخاب رشته دارد. کارگزاران بیان کردند دخالت مستقیم یا غیر مستقیم والدین که نشان‌دهنده از ناآگاهی والدین درباره فرایند هدایت تحصیلی و تمایز آن با طرح متوازن‌سازی رشته‌ای انواع رشته‌ها و شغل‌ها دارد، محسوس است. بر این اساس تقاضای بالای رشته تجربی در بین خانواده‌ها محسوس است و مشارکت‌کنندگان توافق نظر داشتند که ترجیح نهایی رشته تحصیلی از سوی خانواده صورت می‌گیرد و فرزندان معمولاً تحت تأثیر ترجیحات رشته‌ای والدین خود هستند. یافته‌های تحقیقاتی همچون طالع زاری (۱۳۹۵)، سلیمان‌نژاد (۱۳۷۸)، ارمی^۱ (۲۰۱۴) و متمرری (۲۰۱۷)؛ نیز نشان می‌دهد نفوذ والدین در هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان تأثیرگذار است.

نتایج همچنین، حاکی از این است که بعضی والدین به طور مشخص در انجام آزمون‌ها و تکمیل فرم‌ها به منظور جهت‌دهی به نتیجه آزمون و مداخله در انتخاب رشته مشهود است، در حالی که در مناطق کم‌برخوردار والدین کمتر در امور هدایت تحصیلی پیگیری دارند. اگرچه که به گفته کارگزاران، والدین در مناطق برخوردار، از شرکت در جلسات مشاوره تحصیلی مدرسه سر باز می‌زنند، در حالی که جلسات مشاوره تحصیلی در حاشیه شهر و مناطق کم‌برخوردارتر از استقبال نسبتاً خوبی برخوردار است. در عین حال، بیشتر وقت جلسات به توجیه انجام مراحل صوری اجرای آزمون و شیوه‌نامه می‌گذرد و عملاً مشاوران فرصتی برای مشاوره و اطلاع‌رسانی درباره رشته‌ها ندارند. این یافته نیز همسو با نتایج مطالعات خادم‌مسجدی و نوروزی (۱۳۹۵)، هایرستون^۲ (۲۰۰۰)،

1. Eremie
2. Hairston

و فالایه و آدامز (۲۰۰۸)، است که تأکید بر تحصیلات والدین و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای هدایت تحصیلی فرزند خود دارند. اساساً می‌توان گفت از یک سو، فرایند هدایت تحصیلی در نزد خانواده‌ها بی‌اعتبار و از سوی دیگر موجب ترجیح مشاوران خارج از مدرسه برای خانواده‌های متعلق به پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط به بالا است.

«نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های عملی دانش‌آموزان» نیز متأثر از فضای کلی جامعه و به ویژه والدین است. در عین حال، ویژگی‌های طبقاتی، سنی و جنسیتی نیز نقش مهمی دارد. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد یکی از عوامل مهم به سمت رشته تجربی از دیدگاه کارگزاران، عدم آگاهی کافی دانش‌آموزان از رشته‌ها و مشاغل مختلف است. در عین حال، تفاوت‌های طبقاتی در گرایش به شاخه‌های نظری و مهارتی مشاهده می‌شود. علاوه بر این، مشاوران نیز بیان کرده‌اند انتخاب رشته در سنی هیجانی اتفاق می‌افتد که سبب احساساتی‌شدن تصمیم‌ها می‌شود. یافته‌های تحقیقات بالی تیرکده (۱۳۷۴) و طالع زاری (۱۳۹۵) نیز نشان داد دانش‌آموزانی که از طبقه کم‌درآمدی باشند به طرف رشته‌هایی متمایل می‌شوند که برای آن‌ها تحرک اجتماعی ایجاد کند.

از دیگر مقولات به دست آمده «موانع فعالیت مؤثر مشاوران» است که خود خرده‌مقولاتی را شامل می‌شود. مصاحبه با مشاوران، مدیران و کارشناسان مرتبط و جامعه هدف نشان داد موانعی جدی بر سر راه فعالیت مشاوران وجود دارد. بخشی از این موانع در سطح کلان و ساختاری و بخشی به ارزش‌ها و نگرش‌های مشاوران مرتبط است. کمبود نسبت مشاور به دانش‌آموز خصوصاً در مناطق کم‌برخوردار و روستاها، و کمبود مشاور آقا به خانم احساس می‌شود.

از سوی دیگر، مصاحبه با مشاوران نشان‌دهنده گرانباری نقش مشاور داشت به این عبارت که وقت‌گیر بودن اجرا و ساماندهی آزمون‌های آنلاین، اجرای شرح وظایف مربوط به مشاور در شیوه‌نامه هدایت تحصیلی، درگیری مشاور در درس تفکر و سبک زندگی باعث شده است، کمبود زمان برای مشاوران منجر به گرانباری نقش شده که کمیت و کیفیت خدمات آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، تأکید کارگزاران بر به‌روزی‌نبودن بعضی مشاوران درباره رشته‌ها و شغل‌ها بوده است که باعث شده است مشاوره‌هایی کم‌مایه به لحاظ محتوا اتفاق بیفتد. تحلیل مصاحبه‌های دانش‌آموزان

نیز گویای همین امر بود؛ به طوری که برخی دانش‌آموزان بیان می‌کردند مشاوران، مشاوره را «به هرچی علاقه داری» تقلیل می‌دادند. علاوه بر این، اکثر مشاوران بر مشاوره تحصیلی و نه شغلی متمرکز می‌شوند. تحلیل مصاحبه‌ها همچنین نشان‌دهنده درگیری مشاور به علت حجم بالای کار و فشار به دانش‌آموزان برای انجام آزمون‌های آنلاین دارد که باعث از بین رفتن رابطه حسنه و اعتماد بین مشاور و دانش‌آموز شده است. همچنین، تحلیل‌ها نشان داد تعلق پایین مشاوران در متوسطه اول سبب مشکل در برقراری ارتباط با دانش‌آموزان شده است. از سوی دیگر، قبول مسئولیت‌های جانبی و انجام وظایف دیگران، سبب درگیری‌های متعددی برای مشاوران شده است. در نهایت، اینکه به سبب اشتغال بعضی مشاوران در خارج از مدرسه، هدایت دانش‌آموزان به شاخه‌های نظری، به دلیل تأمین منافع آتی مشاوره در مشاوره‌های خصوصی آتی است. این بخش از یافته‌ها نیز همسویی با یافته‌های مطالعاتی مانند کوثری (۱۳۹۵)، سلیمان‌نژاد (۱۳۷۸)، مرادی (۱۳۹۵)، سینبادی^۱ (۱۹۹۲)، آمبوگو، آیرو و کیبوسی (۲۰۱۷)، وزه و چینونسو اکولی^۲ (۲۰۱۴)؛ جوزف (۲۰۱۵)؛ حسین و احمدفایسال (۲۰۱۳) دارد که تأکید بر خدمات و نارسایی‌های مشاوره در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دارند.

یافته‌ها شامل مقوله مهم «اثر مدیران مدارس» بود که شامل دو مقوله فرعی مسأله همیاری مدیران و عدم اجرای موردی متوازن‌سازی در متوسطه دوم بود. برداشت مشارکت‌کنندگان این بود که مدیران جایگاه فعالی در فرایند هدایت تحصیلی ندارد یا بعضاً نقش واسطه‌ای دارند. اگرچه که توجیه کامل مدیر در فرایند هدایت تحصیلی می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت مطلوب‌تر در روند کار باشد. علاوه بر این، تحلیل‌ها نشان داد در برخی موارد شاهد بی‌توجهی مدیران به اجرای درست متوازن‌سازی و ثبت‌نام دانش‌آموزان بدون در نظر گرفتن اولویت انتخاب رشته است.

از دیگر مقولات مستخرج، «ضعف همکاری دبیران» بوده است. کارگزاران معتقدند بیشتر قریب به اتفاق دبیران با فرایند هدایت تحصیلی غریبه‌اند، و هدایت تحصیلی نزد دبیران کم‌اهمیت است و موضوعیت ندارد. به طوری که نمرات درج شده در فرم‌های آنلاین هدایت تحصیلی از سوی دبیران

1. Sindabi

2. Nweze & Chinonso Okolie

واقعی نیست یا صرفاً متکی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است که مبتنی بر درگیر نشدن دبیران و ناآشنایی با بخش نرم‌افزاری سایت است. این یافته همسو با تحقیق شفقتیان (۱۳۷۶) است که نشان می‌دهد طرح هدایت تحصیلی برای مدیران و دبیران چندان توجیه نشده است.

«اجرای ناهمسان شیوه‌نامه در مدارس مختلف»، یکی دیگر از مقولات اصلی مستخرج از مصاحبه‌ها است. به طوری که کارگزاران در مناطق و نواحی مختلف آموزش و پرورش اذعان داشتند اجرای فرایند هدایت تحصیلی در مدارس مختلف متفاوت است و در اموری مختلفی چون بازدیدهای شغلی، پیگیری برگزاری جلسات مشاوره والدین و دانش‌آموزان، و وجود امکانات برای انجام آزمون‌های آنلاین بهتر از دیگر مدارس عمل می‌کنند. علاوه بر این، مدارس برخوردارتر اقداماتی مانند استخدام مشاور بیرون از سیستم (بیشتر مدارس غیر دولتی)، برگزاری همایش‌های انتخاب رشته توسط مؤسسات آموزشی آزاد و هدایت ضمنی دانش‌آموزان به مؤسسات یادشده دست می‌زنند که این اقدامات ربط مستقیمی با شیوه‌نامه هدایت تحصیلی ندارد. برای مثال، بعضی دانش‌آموزان اذعان داشتند مشاوران معمولاً توصیفی منفی از رشته‌های غیر نظری نزد دانش‌آموزان دارند. نتایج تحقیقات آموگو، آبرو و کیپوسی (۲۰۱۷) و متمرری (۲۰۰۷) نیز همسو با یافته‌های این بخش از تحقیق است.

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها حاکی از مقوله «محدودیت‌ها و ناکارآمدی بازدیدهای شغلی» بود. اظهارات کارگزاران نشان داد اجرای بازدیدهای شغلی در فرایند هدایت تحصیلی، به دلایلی مانند زمان‌بر و هزینه‌بر بودن فرایند هماهنگی‌های لازم برای این کار، چندان مورد استقبال مدارس قرار نمی‌گیرد. ضمن اینکه نتیجه کار نشان داده است عملاً بازدیدهای شغلی ناکارآمد است.

آخرین مقوله اصلی احصاشده از مصاحبه‌ها «نواقص اطلاع‌رسانی» است که شامل خرده‌مقولاتی همچون ناآگاهی، فقدان منابع اطلاع‌رسانی متنوع، محدود بودن بازه اطلاع‌رسانی است. گفته‌های مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد هم منابع اطلاع‌رسانی تنوع کمی دارد و هم بازه اطلاع‌رسانی درباره فرایند هدایت تحصیلی و انتخاب‌های موجود، محدود است. این موضوع موجب گنج‌شدن، توجیه‌نبودن، اجرای کم کیفیت آزمون‌ها، و بی‌اعتمادی به فرایند در دانش‌آموزان و والدین و بعضاً دبیران می‌شود که در نهایت، کیفیت خروجی فرایند هدایت تحصیلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در یک جمع‌بندی بسیار کلی، به نظر می‌رسد فرایند هدایت تحصیلی هم از کمبودهایی در عملیات اجرایی و شرایط سخت‌افزارانه رنج می‌برد و هم کارگزاران و ذینفعان آن از کمبودها و تناقض‌هایی از لحاظ شناخت، باور، انگیزه و رفتار رنج می‌برند، و شناخت، باور، انگیزه و رفتارها همسو با اهداف تصریح‌شده فرایند هدایت تحصیلی نیست.

با توجه به مضامین استخراجی، مجموعه‌ای از پیشنهادها برای تقویت فرایند «شیوه‌نامه اجرایی هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه» و کاهش نقاط ضعف و موانع اجرای طرح ارائه می‌شود. بخشی از این پیشنهادها الهام گرفته از روش‌های بازاریابی اجتماعی محور^۱ است.

- مطابق با یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود «فرم جلسات توجیهی برای کارگزاران و جامعه هدف» به جای سخنرانی و تک‌گویی به صورت کارگاهی، بحث گروهی و گفت‌وگویی برگزار شود، زیرا احساس مشارکت و همدلی جامعه هدف را برمی‌انگیزد و ترغیب‌کننده‌تر است.

- پیشنهاد می‌شود جلسات توجیهی برای کارگزاران و جامعه هدف به رکن برنامه هدایت تحصیلی تبدیل شود، زیرا دریافت درستی از اهداف برنامه در بین بعضی کارگزاران و جامعه هدف وجود ندارد. مخاطب این برنامه باید بداند هدف برنامه هم هدایت دانش‌آموز به سمت و سوی موفقیت بیشتر، و هم بر امکانات آموزشی موجود منطبق است. این کار اگر در قالب و فرم گفت‌وگویی و تسهیلگری مؤثر انجام شود، می‌تواند اعتمادافزا و اثربخش باشد.

- پیشنهاد می‌شود «تأکید بر منافع فردی انتخاب‌ها در جلسات توجیهی و مشاوره‌ها» صورت گیرد. به عبارتی، ضرورت دارد ضمن هشداردادن به دانش‌آموزان و والدین مبنی بر اینکه در صورت انتخاب‌های غیر واقع‌بینانه و بی‌تناسب با توانمندی‌ها و عملکرد تحصیلی دانش‌آموز، احتمال شکست بالا خواهد بود، و این امر اثرات روانی و بیرونی متعددی خواهد داشت، بر احتمال بالاتر موفقیت دانش‌آموزان در صورت پیگیری توانمندی‌های‌شان تأکید شود.

- پیشنهاد می‌شود «تعیین محتوای پیام‌ها بر مبنای ترکیب اجتماعی مدارس در جلسات توجیهی و مشاوره‌ها» صورت پذیرد.

- مطابق با یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود «پیش‌آگهی به مخاطب و پذیرش فروتنانه مشکلات فنی»

انجام شود؛ زیرا مشکلات فنی بخش جدایی‌ناپذیر از اتوماسیون فرایندها در کشور است که باید کارگزاران و جامعه هدف درباره آن پیش‌آگاهی و آمادگی ذهنی و روانی داشته باشند.

- پیشنهاد دیگر «درگیر کردن بیشتر دبیران در فرایند هدایت تحصیلی» است. با وجود محدودیت زمانی و گرانباری نقش مشاوران، مدیر و مشاور از هر یک از دبیران بخواهند نقش تسهیلگر فرایند متقاعدسازی را ایفا کنند و در یک یا دو جلسه هربار به مدت ۱۰ دقیقه در کلاس خود درباره اهمیت فرایند هدایت تحصیلی و انتخاب‌های واقع‌بینانه با دانش‌آموزان گفت‌وگو کنند.

- پیشنهاد می‌شود «اشاعه اجتماعی و استفاده از ظرفیت داوطلبان» نظیر انجمن اولیا، دانش‌آموزان فعال شورای دانش‌آموزی، تشکل‌های دانش‌آموزی و دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل دبیرستان برای ذکر تجارب خود در انتخاب رشته با نظارت مشاور، انجام گیرد.

- مطابق با یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود مشاوران «استفاده از سازوکار مشوق» را در دستور کار خود قرار دهند. به این ترتیب که مشاوران با استفاده از راهبرد اعطای پاداش و مشوق، فهرست دانش‌آموزان و دبیرانی که فرم‌های خود را به موقع تکمیل کرده‌اند، منتشر کنند که هم ترغیب‌کننده سایرین برای تکمیل فرم‌ها و هم افرادی باشد که هنوز فرم‌ها را تکمیل نکرده‌اند. زیرا با اطلاع از نام افرادی که بیشتر فرم را تکمیل کرده‌اند می‌تواند از این افراد در صورت نیاز، راهنمایی و کمک بخواهند.

- پیشنهاد می‌شود «گردآوری تجارب و تحلیل بازخوردهای مکتوب» در حین و پس از فرایند اجرا برای شناسایی مشکلاتی که تکرار می‌شود، صورت پذیرد.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود «آسیب‌شناسی سطح کلان برنامه هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه» صورت پذیرد. با توجه به اینکه در حال حاضر مهم‌ترین هدف عملیاتی برنامه هدایت تحصیلی در حال حاضر، «متوازن‌سازی» است، اما واقعیت آن است که متوازن‌سازی در این برنامه، منحصر به چارچوب امکانات وزارت آموزش و پرورش (به ویژه مدارس دولتی) است و هدف آن است که دانش‌آموزان در رشته/مدارس طوری توزیع شوند که به طور نسبی هم عدالت نسبت به

توانمندی‌ها و استعدادهای دانش‌آموزان رعایت شود، و هم امکانات موجود پاسخگوی جمعیت دانش‌آموزی باشد. اما این برنامه لزوماً در پیوند وثیق با سایر بخش‌ها (آموزش عالی و بازار کار) تدوین نشده است. اگرچه پیامد این برنامه آن است که از ازدحام داوطلبان کنکور به طور کلی، و کنکور تجربی به طور خاص، از طریق آن کاسته شود، اما جامعه همچنان از لحاظ ذهنی آمادگی پذیرش اهداف هدایت تحصیلی را ندارد. همچنین، اگرچه یکی از اهداف این برنامه انطباق یافتن خروجی‌های نظام آموزش و پرورش با ظرفیت‌های آموزش عالی است، اما واقعیت این است که داده‌ها در این زمینه هم چندان دقیق نیست، حتی مطالعات آمایش آموزش عالی به گفته متخصصان دچار نقص‌های جدی است (مهرعلی‌زاده، کردزنگنه و همایون‌نیا، ۱۳۹۱). در مجموع به نظر می‌رسد متقاعدسازی جمعیت بیشتری از دانش‌آموزان و والدین در جهت تن‌دادن به نتایج فرایند هدایت تحصیلی و متوازن‌سازی مد نظر آن، زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که چشم‌انداز آینده شغلی در طیف وسیعی از رشته‌ها در شاخه‌های مختلف، نسبتاً مثبت باشد.

منابع

- بالی تیرکده، محمدرولی (۱۳۷۴). بررسی عوامل مؤثر در هدایت تحصیلی - شغلی دانش‌آموزان نظام جدید متوسطه برای انتخاب رشته تحصیلی و شغل آینده خویش در شهرستان نوشهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، رشته برنامه‌ریزی آموزشی.
- بهرامی‌گهرویی، گل‌افروز (۱۳۹۴). ارزشیابی طرح هدایت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه اول شهرستان شهرکرد از دیدگاه دانش‌آموزان، اولیا و مشاوران مدرسه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
- خادم مسجدی، حمید، و نوروزی، داریوش (۱۳۹۵). نقش والدین و همکلاسی‌هایی که از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند بر انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان (شهر دوشنبه تاجیکستان)، روان‌شناسی تربیتی، ۱۲(۴۲)، ۵۶-۴۱.
- خدابخش، لیلیا (۱۳۹۷). بررسی مقایسه‌ای عوامل مرتبط با انتخاب رشته‌های مختلف فنی و حرفه‌ای در بین نوجوانان، اولین کنفرانس سراسری توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی. مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- رضایی، مرتضی (۱۳۹۷). بررسی فرایند هدایت تحصیلی نوین در پایه نهم از منظر مشاوران مدارس و متخصصان مرتبط و ارائه نظرات اصلاحی آنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی
- رضوی زاده، ندا، و فروغ‌زاده، سیمین (۱۳۹۷). اشتغال پایدار دانش‌آموختگان دانشگاهی خراسان رضوی. مشهد: جهاد دانشگاهی خراسان رضوی.
- سالاری، علی (۱۳۸۴). بررسی نگرش دانش‌آموزان سال اول نظام جدید متوسطه و والدین آن‌ها نسبت به شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش در سطح دبیرستان‌های استان یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- سلیمان‌نژاد، روح‌انگیز (۱۳۷۸). بررسی علل عدم توجه به اولویت‌های پیشنهادی مشاوران به وسیله دانش‌آموزان دختر نظام جدید آموزش متوسطه در آموزش و پرورش شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه الزهرا.

- شفقتیان، ایرج (۱۳۷۶). بررسی نظر دانش‌آموزان رشته‌های علوم تجربی و علوم انسانی و مشاوران شهر زنجان نسبت به ملاک‌ها و ضوابط هدایت تحصیلی در نظام جدید متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه تهران.
- طالع‌زاری، ملیحه (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان نظام جدید متوسطه آموزش و پرورش شهرستان شاهرود. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و فناوری اطلاعات و ارتباطات، شرکت خدمات برتر، تهران.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کرم‌دوست، نوروزعلی، زندوانیان، احمد، و ابوالقاسمی، محمود (۱۳۸۵). طراحی الگوهای مناسب جهت هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه. روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۳۶ (۱ و ۲)، ۹۹-۱۲۲.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاستگذاری عمومی. سیاستگذاری عمومی، ۴ (۲)، ۲۰۸-۱۸۹.
- کوثری، مجید (۱۳۹۵). ارزشیابی ملاک‌ها و فرایند انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- کوشکی، نصیر، مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز، و شکرکن، حسین (۱۳۸۰). مقایسه نظام ارزشی دانش‌آموزان پسر هدایت‌شده به رشته‌های پنج‌گانه تحصیلی به عنوان اولویت اول در دبیرستان‌های خرم‌آباد. علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۸ (۳ و ۴)، ۱۲۵-۱۳۶.
- مرادی، انسیه، و اخوان تفتی، مهناز (۱۳۹۲). بررسی رضایت دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری از انتخاب رشته خویش و عوامل مؤثر بر آن. روان‌شناسی تربیتی، ۹ (۲۸)، ۱۳۸-۱۲۱.
- معماری، علی (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر در گرایش دانش‌آموزان مستعد به رشته‌های فنی و حرفه‌ای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مهرعلی‌زاده یدالله، کردزنگنه، آزاده، و همایون‌نیا، آیتا (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی آمایش آموزش عالی ایران: تحلیلی از تجربیات آمایش آموزش عالی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران. آموزش عالی ایران، ۵ (۱)، ۹۳-۱۳۲.
- نظری چروده، احداالله (۱۳۹۳). نگرش دانش‌آموزان دوره متوسطه نسبت به ارائه خدمات مشاوره‌ای

در شهرستان تالش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

نویدی، احد (۱۳۷۸). بررسی سهم هر یک از ملاک‌های هدایت تحصیلی در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان جدید آموزش متوسطه. *تعلیم و تربیت*، ۶۰، ۹۷-۱۳۴.

- Ambogo, M. P., Ayiro, L., & Kipsoi, E. (2017). The impact of career counselors on career choice among secondary school girls in Vichuga county, *Kenya Journal of Educational Planning, Economics & Management*, 11(1), 1-19.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405.
- Başkarada, S. (2014). Qualitative case study guidelines. *The Qualitative Report*, 19(40), 1-18.
- Bikse, V., Lūsēna – Ezera, I., Libkovska, U., & Rivža, B. (2018), Comparative analysis of career choices by students in Latvia and the UK. *4th International Conference on Higher Education Advances (HEAd'18)*, Universitat Polit'ecnica de Val'encia, Val'encia, 5.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Eremie, Maxwell. D. (2014), comparative analysis of factors influencing career choices among senior secondary school students in rivers state, Nigeria, *Arabian Journal of Business and Management Review (Oman chapter)*, 4(4), 20.
- Falaye, F. V., & Adams, B. T. (2008). An assessment of factors influencing career decisions of in-school youths. *Pakistan Journal of Social Sciences*, 5(3), 222-225.
- Hairston, J. E. (2000). How parents influence African American students' decisions to prepare for vocational teaching careers. *Career and Technical Education*, 16(2), 5-15.
- Hossain, S., & Ahmed Faisal, R. (2013). Guidance and counseling services in schools of Bangladesh: An exploratory study. *International Journal of Science and Research (IJSR)*, 2(10), 132-138.
- Ivanova, Tatiana (2015). Motivational Factors Influencing Vocational Choice of Secondary School Students, *The 9th International Days of Statistics and Economics*, Prague, September 10-12, 635-643.
- Joseph, M. (2015). *Nature and benefits of guidance and counseling services offered in selected public secondary schools in manse district*. Master Thesis, Education in educational psychology, the University of Zambia Lusaka .
- Mtemeri, J. (2017). *Factors Influencing The Choice Of Career Pathways Among High School Students In Midlands Province, Zimbabwe*, Doctoral Dissertation, education in the subject psychology of education, University Of South Africa.
- Ng'eno, G. K., & Magut, A. (2014). Students' perception of the impact of Guidance and Counseling programmers on the Satisfaction of Vocational needs in selected Kenyan secondary schools. *Education and Practice*, 5(36), 171-179.
- Nweze, T., & Chinonso Okolie, U. (2014). Effective guidance and counselling

- programmes in secondary schools: Issues and roles in students' career decision making. *Research & Method in Education*, 4(4), 63-68.
- Obiunu, R. Fr., Ruth, J. J., & Ebunu, O. (2014). Factors affecting career development of senior secondary school students in Ethiopia east local government area, Delta state, Nigeria. *International Journal of Guidance and Counseling*, 2(1), 5-10.
- Osoro, B. K., Amundson, N. E., & Borgen, W. A. (2000). Career decision-making of high school students in Kenya. *International Journal for the Advancement of Counseling*, 22(4), 289-300.
- Primrose, N., & Zeleni, L. (2015). *Provision of guidance and counseling services in the schools in the Transkei sub-region of the Eastern Cape*. Master of Education-With Specialisation In Guidance And Counselling, University Of South Africa.
- Sindabi, A. M. (1992). *An analysis of the guidance and counseling program in selected Kenyan secondary schools*. Doctoral Dissertation, Polytechnic Institute and State University, Education in Counseling and Student Personnel Services.
- Subasinghe, W. (2016). An introduction on educational guidance and school counseling. *Scientific Research and Innovative Technology*, 3(10), 11-18.
- Uyar, A., & Güngörmüş, A. H. (2011), Factors associated with student performance in financial accounting course. *European Journal of Economic and Political Studies*, 4(2), 139-154.

